



انترناسیونال

۱۷۹

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۷ بهمن ۱۳۸۵، ۱۶ فوریه ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

Fax: 001-519 461 3416

سر دبیر: محسن ابراهیمی



در باره قطعنامه و پلاتفرم کسب قدرت سیاسی

مصوبات پلنوم ۲۷

مصاحبه با حمید تقوائی

شعار سوسیالیسم برای رفع تبعیض که دو سال قبل در خیابانها داده شد تا امروز که دانشجویان شعار سوسیالیسم یا بربریت را اعلام میکنند و سرود انترناسیونال در تجمعات اعتراضی خوانده میشود مدام گسترده تر و صریح تر و عمیق تر شده است. يك نتیجه و انعکاس سیاسی این نفوذ و اشاعه آرمانها و شعارها و سیاستهای چپ در جامعه مقابله صریح و مستقیم و را دیکال مردم با جمهوری اسلامی است. مقابله با کل رژیم و نظام موجود، اعلام اینکه کل این نظام وارونه را باید تغییر داد و مظلومیت انقلاب و

صفحه ۲

انترناسیونال در گردهماییهای مردم به يك امر رایج و مرسوم بدل شده است، و در بسیاری از تجمعات و مراسمها شاهد نقد سرمایه داری بعنوان اساس مصائب و مشکلات جامعه و اعلام کیفر خواست علیه دنیای وارونه سرمایه داری هستیم. این گرایش به چپ در جنبش سرنگونی طلبانه مردم روندی است که از مدتها قبل آغاز شده و حزب ما، که خود در شکل دادن به این گرایش نقش مهمی ایفا کرده است، از همان آغاز، از قبل از کنگره چهارم بدرستی این روند را تشخیص داد، این واقعیت را اعلام کرد و سیاستهای عملی خود را بر همین مبنا قرار داد. این گرایش به چپ، از

برای تصرف قدرت سیاسی در شرایط ویژه امروز است. قطعنامه و پلاتفرم کسب قدرت سیاسی پاسخی به این ضرورت است. همانطور که اشاره کردید در بند اول قطعنامه بطور فشرده ای مهمترین فاکتورهای سیاسی که در این شرایط مساله قدرت سیاسی را به امر عاجلی تبدیل کرده است بر شمرده شده است. مهمترین عامل پیشرویهایی جنبش سرنگونی است که در اشکال حرکات اعتراضی رادیکال و تعرضی علیه جمهوری اسلامی، و طرح شعارهای چپ و سوسیالیستی در این حرکتها و میتینگهای اعتراضی خود را نشان میدهد. اکنون خواندن سرود

طرف مطرح شده است. تصویب قطعنامه دیگری در این پلنوم چه ضرورتی دارد؟
حمید تقوائی: ضرورت طرح و تصویب این قطعنامه شرایط ویژه سیاسی امروز در ایران است. حزب ما از کنگره دوم در مورد مساله حزب و قدرت سیاسی خط و مواضع روشنی اعلام و مطرح کرده است و اسناد و نوشته های زیادی در این مورد دارد. اما امروز بحث بر سر نقشه عمل مشخص برای تصرف قدرت سیاسی است و این امری است که شرایط سیاسی امروز در دستور ما قرار میدهد. عبارت دیگر بحث بر سر استنتاجات عملی و تاکتیکی مشخص از استراتژی عمومی حزب

محسن ابراهیمی: در پلنوم ۲۷ دو سند مهم تصویب شد. قطعنامه در باره کسب قدرت سیاسی و پلاتفرم عملی برای کسب قدرت سیاسی. اولین بند قطعنامه در باره کسب قدرت سیاسی، شرایط سیاسی امروز در ایران، موقعیت داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی و وضعیت اپوزیسیون را توضیح میدهد و استنتاج میکند که امروز مساله قدرت سیاسی به يك امر عاجل تبدیل شده است. اعلام میکند پیشروی جنبش انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی تماما به عملکرد حزب ما گره خورده است. بحث سرنگونی جمهوری اسلامی و نقش حزب ما از کنگره سوم به این

نه به حجاب، نه به ترور، نه به جنگ تظاهرات

در مقابل کمیسیون اتحادیه اروپا
سخنرانان: مینا احدی، مهین علی پور، مریم نمازی

صفحه ۵

انعکاس قدرت چپ در سیمای راست

امیر توکلی

صفحه ۵

در حاشیه رویدادها
توقف فعالیتهای هسته ای کره شمالی
سخنان تند پوتین، جنبش ضد جنگ
و عقب نشینی آمریکا
ناصر اصغری

صفحه ۶

حقوق زنان، حجاب و قوانین اسلامی سمیناری به مناسبت ۸ هشت مارس

سخنرانان: ان هاریسون، مریم نمازی، تسلیمه نسرین و پولیبی توینبی

صفحه ۴

سوسیالیسم به پاخیز
برای رفع تبعیض

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه با حمید تقوایی

تغییر انقلابی این وضعیت بویژه در میان جوانان، بحلی که مدافعین آشکار و پنهان وضعیت موجود از شبح لنین در دانشگاهها صحبت میکنند و در مورد روی آوری جوانان به انقلاب لنینی بیکدیگر هشدار میدهند، اینها همه نشانه های بارز تعرض و به مصاف طلبیدن انقلابی جمهوری اسلامی از يك موضع رادیکال و چپ است.

به نظر من آنچه در بیست آذر امسال در دانشگاه پلی تکنیک اتفاق افتاد، هو کردن احمدی نژاد و به آتش کشیدن عکس او در حضور خودش و سر دادن شعار فاشیست برو گمشو يك تحول مهم و گام بلندی بجلو در جنبش سرنگونی طلبانه مردم بود. دانشجویان در واقع بعنوان پیشروان جامعه و به نمایندگی از اکثریت قریب باتفاق جامعه در حضور و چشم در چشم رئیس جمهور رژیم اعلام کردند که جمهوری اسلامی باید گوش را کم کند.

از سوی دیگر کشمکشهای جناحی در حکومت بالا گرفته و وضعیت حکومت متشتت تر و به هم ریخته تر از هر زمان دیگر است. دولت احمدی نژاد که با پلاتفرم ارعاب و سرکوب مردم و يك دست کردن حکومت زیر بیرق ولایت فقیه روی کار آمده بود و در واقع خود شمره بن بست خط دو خرداد و کل حکومت اسلامی در مواجهه با اعتراضات مردم بود، به هیچیک از اهداف خود نرسید و در همه زمینه ها سیاستهایش با شکست مواجه شده است. اگر در دوره قبل شکست دو خرداد را جناح راست حکومت میتوانست به حساب خود بگذارد این بار بطور مستقیم و صریح و روشن و غیر قابل انکاری اعتراضات و مبارزات مردم کل حکومت را به استیصال و آخر خط رسانده است. حرکت دانشجویان در بیست آذر اعلام روشن و رسای شکست کل جمهوری اسلامی در برابر مردم بود.

عامل مهم دیگر در شرایط سیاسی حاضر سردرگمی و بی خطی نیروهای اپوزیسیون راست است. بن بست سیاستهای دولت آمریکا در عراق، نیروهای ناسیونالیست و سلطنت طلب- جمهوریخواهان و

نیروهای ناسیونالیست قوم پرست را از نقطه نظر استراتژیک بی افق و نومید کرده است. اینان روی سناریوهای رژیم چنچی دولت آمریکا برای بقدرت رسیدن حساب میکردند و این حسابگرها، بدنبال شکست دولت بوش و حزب محافظه کار در انتخابات میان دوره ای آمریکا و ناروشنی و سر درگمی دولت آمریکا در عراق و در سیاست های خاورمیانه ایش، نقش بر آب شده است. به این ترتیب بدنبال بی نتیجه ماندن تاکتیکهای شبه دو خردادی اپوزیسیون راست نظیر رفراندوم و نافرمانی مدنی و تغییر قانون اساسی، استراتژی "سرنگونی" این نیروها، یعنی تغییر رژیم از بالای سر مردم و به کمک دولت آمریکا، نیز به بن بست میرسد. و بالاخره باید به افزایش فشار آمریکا و شورای امنیت به جمهوری اسلامی بر سر مساله پروژه هسته ای و بر سر مساله دخالتگریهای حکومت اسلامی در عراق و فلسطین و لبنان اشاره کنم.

روشن است که تخاصم و رو درروئی دولتهای غربی با جمهوری اسلامی هیچ ربطی به منافع مردم ندارد اما نفس بالا گرفتن بحران و کشمکش میان جمهوری اسلامی و غرب از یکسو بحران و تشتت در میان صفوف حکومت را تشدید میکند و از سوی دیگر ضرورت دخالت مردم برای تعیین سرنوشت سیاسی خود و جلوگیری از فاجعه حمله نظامی را به يك امر عاجل و مبرم تبدیل میکند. راه تحقق شعار نه جنگ نه بمب که امروز در جامعه داه میشود در نهایت سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم است و بالا گرفتن کشمکش میان بالائی ها، چه میان دولت آمریکا و نیروهای غرب با جمهوری اسلامی و چه در میان جناحهای خود حکومت، شرایط را برای تعرض مردم به کل حکومت اسلامی آماده میکند.

مجموعه این شرایط نشاندهنده مقبولیت و بسط نفوذ و گسترش سیاستها و شعارهای چپ و سوسیالیستی در جامعه و در جنبش سرنگونی از یکسو و طرح و باز شدن مساله قدرت سیاسی بعنوان يك امر عاجل و مبرم در جامعه، در

میان توده مردم، از سوی دیگر است. قطعنامه و پلاتفرم مصوب پلنوم بر اساس این تحلیل و ارزیابی از شرایط سیاسی امروز جامعه ایران نقشه عمل کسب قدرت سیاسی را در دستور حزب قرار میدهد.

محسن ابراهیمی: در قطعنامه گفته شده "فراتر رفتن از وضعیت سیاسی حاضر، پیشروی جنبش انقلابی مردم و سرنگونی/انقلابی حکومت تماما به عملکرد حزب گره خورده است". چرا حزب چنین نقش تعیین کننده ای دارد؟ آیا این يك نتیجه گیری تحلیلی و نظری است و یا يك مشاهدۀ سیاسی؟

حمید تقوایی: این حکم نه يك استنتاج نظری است و نه يك ادعای تحلیلی و انتزاعی. این واقعیتی است که بر شرایط عینی سیاسی در ایران مبتنی است. در بند سوم قطعنامه به این واقعیت اشاره شده که حزب از موقعیت عینی برای تبدیل شدن به رهبر جامعه در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی برخوردار هست و در مقدمه پلاتفرم نیز ویژگیهای این موقعیت حزب بطور موجزی بیان شده است. حضور و تاثیرگذاری حزب بر مبارزات و حرکات اعتراضی در دو سطح قابل غیرمستقیم در يك مقیاس اجتماعی عمومی و دوم دخالتگری و رهبری و سازماندهی مستقیم در مبارزات کارگری و در حرکات اعتراضی بخشهای دیگر جامعه. در

سطح عمومی اجتماعی به واقعیات متعددی میتوان اشاره کرد. جنبش دفاع از حقوق کودک و همه گیر شدن شعار کودکان مقدمند، اشاعه و طرح وسیع شعار آزادی برابری و شعارهای سوسیالیستی در جنبش دانشجویی، طرح شعارها و بیانیه ها و قطعنامه هائی با مضمون سوسیالیستی و ضد سرمایه داری در تجمعات و حرکات اعتراضی کارگری، مقبولیت پیدا کردن سکولاریسم و خواست جدائی مذهب از دولت در يك سطح وسیع در جامعه، جنبش افزایش حد اقل دستزد، جنبش علیه سنگسار و آپارتاید جنسی، مبارزه علیه اعدام و خواست لغو حکم اعدام، اینها نمونه هائی از تاثیر گذاری حزب و شعارها و سیاستهای حزب در سطح

جامعه و مبارزات مردم است. طبیعی است که در يك سطح پایه ای شرایط عینی اجتماعی و سیاسی زمینه گسترش و اشاعه این سیاستها است اما هر ناظر سیاسی منصفی که اوضاع سیاسی ایران را دنبال کرده باشد به شما خواهد گفت که بدون فعالیتهای حزب کمونیست کارگری این درجه از نفوذ و مقبولیت این شعارها و سیاستها در جامعه ایران امکان پذیر نمیشود. حزب کمونیست کارگری (و قبل از تشکیل این حزب سازمانهایی که منصور حکمت پایه گذار و رهبر آن بود) پیشاپیش جامعه و زمانی که بسیاری از سازمانهای سیاسی اپوزیسیون با طرح این شعارها و سیاستها مشکل داشتند (بعنوان نمونه در رابطه مبارزه زنان علیه حجاب که از همان اولین هشت مارس بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی آغاز شد، و یا مبارزه برای آزادی بیقید و شرط مطبوعات و یا جدائی مذهب از دولت و یا حتی مبارزه برای ممنوعیت قانونی حجاب کودکان و غیره) پرچم این خواستها را بر افراشت و پیگیرانه برای تحقق آنها مبارزه کرد. امروز خوشبختانه این خواستها و شعارها جزء بدیهیات سیاسی در جامعه است و بسیاری از سازمانهای اپوزیسیون بر حقانیت آنها صحه میگذارند اما این خود بخود حاصل نشده و فعالیتهای حزب و جنبش ما در ایجاد این شرایط نقش و تاثیر تعیین کننده ای داشته است.

در سطح مشخص تر و دخالت مستقیم در مبارزات نیز کمیته ها و شخصیتها و کمپینهای حزبی هم در اعتصابات مشخص کارگری و هم در دیگر عرصه های مبارزه نقش موثری دارند. روشن است که بدلائل امنیتی نمیتوان به موارد مشخص اشاره کرد. تنها به ذکر چند نمونه علنی و شناخته شده این تاثیر گذاری یعنی اعتصاب کارگران واحد، فعالیتهای فدراسیون پناهندگان در نجات هزاران نفر از جهنم جمهوری اسلامی، و فعالیتهای کمیته عله اعدام و کمیته علیه سنگسار و نجات جان قربانیان اعدام و سنگسار نظیر حاجیه اسماعیلوند و افسانه نوروزی و نازنین فاتحی بسنده میکنم. فکر میکنم همین نمونه ها برای نشان

دادن نقش عملی حزب کافی باشد. این واقعیات به حزب ما موقعیت ویژه و موثری در صحنه سیاسی ایران بخشیده است و با اتکا بر همین واقعیات است که قطعنامه اعلام میکند فراتر رفتن از این شرایط و بجلو سوق دان جنبش سرنگونی به عملکرد حزب ما گره خورده است. حزب در شکل دادن به جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی تا امروز نقش موثری داشته و امروز ارتقای این جنبش و وارد کردن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی نیز در گرو ایفای نقش پیشرو و رهبری کننده حزب ما در يك مقیاس وسیع اجتماعی و در سطح مبارزات مشخص جاری در عرصه های مختلف، هر دو است.

محسن ابراهیمی: حزب در برنامه اش از حکومت شورایی صحبت میکند. اما در قطعنامه از تصرف قدرت توسط حزب صحبت میشود؟ این دو متناقض نیستند؟ تصرف قدرت سیاسی توسط حزب به حکومت حزبی منجر نمیشود؟ به عبارت دیگر، اگر حکومت شورایی حکومت مطلوب حزب است چرا اصلا روی این تاکید میشود که حزب قدرت را میگیرد؟

حمید تقوایی: ما همیشه بر این تاکید کرده ایم که تصرف قدرت سیاسی و سازماندهی حکومت و نظام سوسیالیستی دو امر جداگانه هستند. تصرف قدرت تنها بوسیله حزب و با رهبری و سازماندهی انقلاب بوسیله حزب ممکن است. اما ساختمان دولت در جمهوری سوسیالیستی شورایی است و بر شوراها مردم مبتنی است. شوراها ممکن است در جریان انقلاب شکل بگیرند و یا نگیرند اما در هر صورت وجود شوراها پیش شرط سرنگونی جمهوری اسلامی و تصرف قدرت سیاسی نیست. حتی اگر شورها در طی انقلاب بوجود آمده باشند ارگانهای مبارزاتی هستند که تنها تحت رهبری حزبی که در يك سطح اجتماعی بعنوان رهبر انقلاب و نیروی قادر به کسب و حفظ قدرت سیاسی شناخته شده است میتوانند در سرنگونی حکومت نقش موثر و پیروزمندی ایفا کنند. انقلاب ۵۷ و انقلاب اکتبر، یکی بعنوان يك تجربه منفی

از صفحه ۲ مصاحبه با حمید تقوایی

و دیگری مثبت، بروشنی نشاندهنده نقش و رابطه حزب و شوراها در تحولات انقلابی است. در انقلاب ۵۷ شوراها در سطح نسبتاً وسیعی در جامعه شکل گرفتند اما در غیاب یک حزب کمونیست قدرتمند و رادیکال نتوانستند از سلطه خمینی و جریان اسلامی بر انقلاب و در نهایت به شکست کشیده شدن انقلاب جلوگیری کنند. در انقلاب اکتبر نیز شوراها ایجاد شدند و یک شعار حزب بلشویک تمام قدرت به شوراها بود اما سازمانده قیام اکتبر و نیروی تصرف کننده قدرت حزب بلشویک بود. در غیاب رهبری بلشویکها انقلاب اکتبر پیروز نمیشد و اصولاً قیام و سرنگونی دولت کادتها بوقوع نمی پیوست. این نمونه‌ها بخوبی رابطه حزب و شوراها و نقش هر یک در انقلاب را نشان میدهد.

نکته دیگر اینکه شوراها میبازراتی از شوراها حکومتی از نظر شکل و ساختار متفاوت هستند. شوراها حکومتی ارگانهای متشکل از همه مردم هستند و در یک جغرافیای معین، در محلات و شهرها و مناطق، تشکیل میشوند اما شوراها مبارزاتی، در صورتی که در انقلاب بوجود بیایند، اساساً در سطح کارخانه‌ها و مراکز کار و تولید شکل میگیرند. البته تشکیل شوراها در دل انقلاب بیانگر خصلت چپ و کارگری انقلاب و یک نقطه قوت و قدرت حزب رهبری کننده انقلاب خواهد بود و زمینه بسیار مساعدی برای سازماندهی حکومت شورائی بوجود خواهد آورد. اما در هر صورت، چه شوراها در دل انقلاب ایجاد شده باشند و چه نشده باشند، یکی از اولین وظایف حزب بعد از بقدرت رسیدن، سازماندهی شوراها بعنوان ارگان حکومتی خواهد بود. عبارت دیگر جمهوری سوسیالیستی حکومت حزبی نیست، یک نظام شورائی است و دخالت احزاب، و از جمله حزبی که انقلاب را به پیروزی رسانده است، در حکومت و در اداره جامعه از طریق شوراها صورت میگیرد. حزبی که بیشترین پایگاه را در شوراها داشته باشد از جانب شوراها بعنوان مسئولین حکومتی در سطح محلی و سراسری انتخاب خواهد شد و از

این طریق در حکومت نقش ایفا خواهد کرد.

محسن ابراهیمی: افشای نیروهای سیاسی بر اساس مواضعشان نسبت به انقلاب یکی از تاکتیکات دیگر قطعنامه است. گفته میشود که این کار در پیشروی جنبش انقلابی نقش مهمی دارد. منظور چیست؟

حمید تقوایی: این تز و نظریه تازه ای نیست. یک بند قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" مصوب کنگره چهارم (این قطعنامه در انترناسیونال ۱۷۲ ضمیمه تجدید چاپ شده است) بر همین موضوع تاکید دارد. واقعیت اینست که در اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی نیروهایی وجود دارند که گرچه هر یک بنوعی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی هستند اما هیچ ربطی به آمل و خواستهای بر حق کارگران و توده مردم ندارند.

نیروهای سلطنت طلب-جمهوریخواه، دولت آمریکا، سازمان مجاهدین، بخشی از دو خردادهای مغضوب واقع شده، نیروهای قوم پرست از زمره این نیروها هستند. اولین تفاوت میان آنچه این نیروها میخواهند و خواستها و آمل توده مردم در معنا و مضمون خود شعار "سرنگونی" است. منظور این نیروها از سرنگونی، و یا به اصطلاح خودشان براندازی و یا رژیم چنج، تغییر بنیادی نظام موجود و حتی جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین نیست بلکه برعکس آنها میخواهند با کمترین تغییرات در حکومت کل نظام موجود را حفظ کنند. نباید به نیروهای ارتجاعی به صرف در اپوزیسیون بودن هیچ نوع تخفیفی داد. تجربه به شکست کشیده شدن انقلاب ۵۷ بوسیله خمینی و نیروهای اسلامی بروشنی نشان داد که چگونه ارتجاع در اپوزیسیون میتواند بعنوان ستون پنجم عمل کند و یک انقلاب عظیم را درهم بکوبد. همانطور که مخالفت با حکومت شاه، خمینی و نیروهای اسلامی را در صف مردم قرار نمیداد مخالفت با جمهوری اسلامی نیز خودبخود به معنای مترقی و آزادیخواه بودن احزاب و نیروهای سیاسی نیست. توضیح و

تشریح این نکته برای توده مردم و بر این اساس افشاگری از نیروهای "ضد رژیم" ولی هراسان از انقلاب، نیروهای که بقول لنین از انقلاب بیشتر میترسند تا از حکومت و نظام ارتجاعی که انقلاب علیه او صورت میگیرد، از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار است. بخصوص در دنیای نظم نوین جهانی و مد شدن انواع سناریوهای "رژیم چنج" و "انقلاب مخملی" و "دولت" و "کشور" سازی از جانب دولت آمریکا و بورژوازی جهانی، افشای این نوع سناریوها و نیروهای اپوزیسیونی که در رویای بقدرت رسیدن به این شیوه ها هستند به امری حیاتی و تعیین کننده تبدیل میشود. تاکید بر ارزیابی و تفکیک نیروهای سیاسی بر مبنای رابطه شان با انقلاب و خواسته های انقلابی مردم و صفتبندی بین نیروهای سیاسی در این رابطه است. این باید به یک معیار و محک عمومی جامعه در برخورد به نیروهای سیاسی تبدیل شود.

محسن ابراهیمی: پلانفرم، هم از تعمیق و رادیکالیزه کردن نقد و نه مردم به وضع موجود به یک نقد سوسیالیستی صحبت میکند و هم از "جمهوری سوسیالیستی" به عنوان یک شعار روز و یک محور تبلیغی صحبت میکند. اولاً، تعمیق "نه" مردم یعنی چه و چگونه صورت میگیرد؟ ثانیاً، "جمهوری سوسیالیستی" ملتهاست در پای اطلاعیه ها و نشریات حزب درج میشود. آیا این صرفاً یک تاکید مجدد است؟ مشخصاً تاکید بر این شعار به مثابه یکی از محورهای تبلیغات حزب در عمل به چه معناست؟

حمید تقوایی: انقلاب یک حرکت سلبی است، نقد و نفی وضعیت موجود است و هر اندازه این حرکت نفی ای عمیق تر و همه جانبه تر باشد به نقد کارگری از نظام موجود نزدیک تر خواهد شد. نیروهای اپوزیسیون هر یک میخواهند در وضع موجود تغییری بدهند، از تضعیف ولی فقیه و کوتاه کردن دست "جناح انحصار طلب" در حکومت گرفته تا تغییر کابینه و رژیم چنج همه به نحوی نقد وضع موجود است اما نقدی به عمق چند میلیمتر، تغییراتی سطحی به همان

اندازه که منافع طبقاتی این نیروها اقتضا میکند. در مقابل، نقد طبقه کارگر نقد ریشه ای کل نظام سرمایه داری است، نقد استثمار و کارمزدی و مذهب و ناسیونالیسم و کل جامعه طبقاتی است. طبقه کارگر هیچ منفعتی در در حفظ هیچ بخشی از نظم موجود ندارد و برای رهایی ناگزیر است این نظام را از ریشه زیور کند. و طبقه کارگر رها نمیشود مگر آنکه کل جامعه را رها سازد. انقلاب یعنی اعمال اراده مستقیم توده های مردم برای تغییر وضع موجود و در شرایط انقلابی توده عظیم مردمی که برای سرنگونی حکومت به حرکت در می آیند این قابلیت را دارند که به نقد کارگران از وضع موجود بگردند، در صورتی که البته این نقد بوسیله یک حزب کمونیست کارگری در عرصه سیاست و مبارزه برای قدرت سیاسی نمایندگی شود. ما در شرایط حاضر تا همین جا شاهد اشاعه نقد کارگری در مبارزات بخشهای مختلف جامعه بوده ایم. وقتی دانشجویان در بیانیه هایشان از "یک زمین یک انسان" و "یک نژاد انهم نژاد انسانی" سخن میگویند، و یا شعار میدهند نان و آزادی برای همه" و "سوسیالیسم یا بربریت"؛ وقتی مدافعین حقوق کودک در بیانیه شان اعلام میکنند "این دنیای وارونه را باید تغییر داد" و زمانی که در تظاهرات خیابانی شعار داده میشود "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض"؛ اینها همه نشانه های تعمیق و ارتقای نقد و اعتراض بخشهای مختلف جامعه به یک نقد و اعتراض سوسیالیستی است. بخصوص در شعار "سوسیالیسم برای رفع تبعیض" این خصلت انتقادی و نفی ای سوسیالیسم کاملاً برجسته است. در واقع سوسیالیسم در جوهر خود نفی و نقد وضعیت موجود، نقد و نفی استثمار و کارمزدی و نظام طبقاتی است. و نه تنها طبقه کارگر بلکه اکثریت عظیم جامعه از این شرایط در رنج است و میتواند و باید به حرکت کارگری برای نفی وضع موجود بپیوندد. بقول منصور حکمت "اساس سوسیالیسم انسان است" و اساس نقد سوسیالیستی نقد شرایطی است که انسان و انسانیت را در سطح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به بند کشیده است.

در سطح سیاسی و مشخص تر این تعمیق "نه" پیش شرط کسب هژمونی و کسب رهبری حزب در انقلاب است. منصور حکمت در یک سمینار جانبی کنگره چهارم، بحثی که با عنوان سلبی اثباتی معروف شده، به این نکته اشاره دارد که مساله بر سر تامین هژمونی جنبش سوسیالیستی بر جنبش سلبی انقلابی است و خود او بعداً در مقاله ای در رابطه با اتحاد و گرایش وحدت طلبی در میان مردم به این مساله "تعمیق نه مردم" اشاره میکند. به نظر من حلقه اصلی در تحقق هژمونی سوسیالیستی بر انقلاب همین تعمیق خصلت نفی ای انقلاب به یک نقد سوسیالیستی است. این نکته را به این شکل میتوان توضیح داد که نیروئی میتواند از جانب کارگران و توده به مردم رهبری انقلاب انتخاب شود که خصلت سلبی و نقدی انقلاب را به جامع ترین و عمیق ترین نحوی نمایندگی کند. این در واقع چیزی جز تاکید این گفته منصور حکمت نیست که "رادیکالیسم ما را توده ای میکند".

در رابطه با بخش دوم سؤال، یعنی جمهوری سوسیالیستی، باید بگویم که این یک شعار پایه ای حزب ما است. جمهوری سوسیالیستی در واقع نام دیگری برای حکومت کارگری است که در شعار پایه ای و استراتژیک حزب ما، "آزادی، برابری، حکومت کارگری" اعلام میشود. قطعنامه میگوید باید در سطح وسیعتر و فعال تری به طرح و تبلیغ و اشاعه این شعار پرداخت. دوجزء اول این شعار یعنی آزادی و برابری در سطح نسبتاً وسیعی در حرکتهای اعتراضی مردم و بویژه در جنبش دانشجویان که نقش پیشروئی در جنبش سرنگونی ایفا میکنند اشاعه یافته و پذیرفته شده است. اکنون با طرح سوسیالیسم (و خواندن سرود انترناسیونال که به نظر من به همان اندازه اهمیت دارد) پیشروان جنبشهای اعتراضی در واقع دارند به بخش سوم شعار حزب، به جمهوری سوسیالیستی، روی می آورند. اکنون زمان آنست که جمهوری سوسیالیستی را همانطور که در پلانفرم تصریح شده بعنوان نقد و نفی عمیق و همه جانبه وضعیت موجود به میان مردم برد و اشاعه

از صفحه ۳ مصاحبه با حمید تقوایی



زنده باد روز جهانی زن!

حقوق زنان، حجاب و قوانین اسلامی و مذهبی

سمیناری به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

سخنرانان:

ان هاریسون: محقق، دفتر بین المللی سازمان عفو بین الملل- بخش خاورمیانه و شمال آفریقا
مریم نمازی: مسئول کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران، برنده جایزه سکولار سال
۲۰۰۵، تهیه کننده برنامه تلویزیون انترناسیونال

تسلیمه نسرین: دکتر، نویسنده سکولار، طرفدار حقوق زنان و فعال حقوق بشر
پولبی توینبی: عضو افتخاری جامعه سراسری سکولارها و مقاله نویس صاحب نظر گاردین

فیلم کوتاهی با عنوان "تحت نام ناموس" از رضا مرادی برای اولین بار در این روز نمایش داده میشود

پنجشنبه، ۸ مارس ۲۰۰۷ - از ساعت ۶ الی ۱۰ شب

University of London Union

Room 3D, Malet Street, London WC1E 7HY

Russell Square, Goodge Street : نزدیکترین ایستگاه قطار

اسپانسورکنندگان سمینار: کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - بریتانیا و جامعه سراسری سکولاریستها

تلفن و ایمیل اطلاعات:

07719111738

07950924434

sohailasharifi@yahoo.co.uk

shiva_mahbobi@yahoo.com

ورود برای عموم رایگان میباشد
این سمینار به زبان انگلیسی میباشد

رادیو انترناسیونال

۴۹ متر ردیف ۶۲۲۵ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب

کمونیست

کارگری را

بخوانید!

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

داد. این در واقع ادامه خط تعمیق "نه مردم به یک نه" سوسیالیستی در عرصه مشخص قدرت سیاسی و آلترناتیو حکومتی است. از این رو صرف طرح این شعار در پای نشریات و اطلاعیه ها کافی نیست. باید آنرا توضیح داد، تشریح و ترویج کرد، و بخصوص مضمون عمیق انتقادی و سلبی آن (نظامی مبتنی بر لغو کار مزدی و استعمار و طبقات و تبعیضات طبقاتی) را باز کرد و برای مردم توضیح داد. در یک سطح دیگر جمهوری سوسیالیستی میتواند به یک موضوع مورد بحث و بررسی در میان پیشروان و فعالین چپ و حتی مورد نقد و حمله از جانب نیروهای راست جامعه تبدیل شود. همانطور که چندی قبل در سایتها و نشریات بحث در مورد شعب لنین در دانشگاهها یک موضوع مورد بحث و مجادله بود، بحث در مورد سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی نیز میتواند و باید به موضوع مورد بحث در میان فعالین و روشنفکران و صاحبان سایتها و نشریات و وبلاگها تبدیل شود. جمهوری سوسیالیستی نیز میتواند مانند شعار آزادی و برابری در جامعه جا باز کند و روشن است که تحقق این امر در گرو آنست که تبلیغ فعالانه جمهوری سوسیالیستی در تمام جوهی که در بالا توضیح دادم در دستور کار حزب قرار بگیرد.

محسن ابراهیمی: در بند ۶ قطعنامه

از گسترش و رادیکالیزه شدن مبارزات جاری کارگران و زنان و جوانان و سایر بخشهای معترض جامعه بر سر خواستههای سلبی مشخص بعنوان محتمل ترین سیر شکل گیری انقلاب صحبت شده است. در بند ۱۲ پلانفرم نیلیستی از این خواستهها نظیر آزادی بی حجابی و ممنوعیت اعدام و آزادی بی قید شرط زندانیان سیاسی و غیره بعنوان شعارهایی که حزب باید با آنها تداومی شود و فعالین هر عرصه را حول آنها متشکل کند مطرح شده. به نظر شما چرا انقلاب میتواند چنین شکلی داشته باشد؟ آیا انقلاب ادامه و نتیجه رشد کمی این جنبشهای مشخص است؟ حمید تقوایی: به نظر من انقلاب در

اسلامی است و لغو آنها عملا معنای جز سرنگونی حکومت ندارد. در مورد خواست جدائی مذهب از دولت و یا انحلال شوراها اسلامی در کارخانه ها نیز عینا همین امر صادق است. به نظر من آزادی زن و جدائی مذهب از دولت موضوعاتی هستند که بالقوه میتوانند یک جنبش عظیم انقلابی را حول خود بسیج کنند و شکل بدهند. جامعه ایران در رابطه با این دو مساله بی حقوقی مفرد زنان و دخالت مذهب در زندگی اجتماعی و خصوصی مردم، که رابطه تنگاتنگی نیز با یکدیگر دارند، از یک پتانسیل بالای اعتراضی برخوردار است و قابل پیش بینی است که انقلاب حول این مسائل شکل بگیرد. *

انعکاس قدرت چپ در سیمای راست



امیر توکلی

که از ترس اعتراض گسترده کارگر، اوپاشان اسلامی محمد را هم کارگر میدانند و یا وقتی اعتراض کارگر و زحمتکشان به خیابان کشیده میشود، "صدای انقلاب" آنها را میشنوند.

ما در مقطع زمانی ای زندگی میکنیم که راست جامعه چه در حکومت و چه در اپوزیسیون هر چه بیشتر خود را در مقابل جنبش کمونیسم کارگری آرایش میدهند.

این را در پیام هایشان، در هراس روزمره شان و اجبارا در کشودن درب زندانهایشان بروی نازنین میتوان دید. جنبش سرنگونی مردم به یمن وجود حزب کمونیست کارگری هر دم رادیکالتر و چپ تر میگردد. رژیم اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی حکومت هم پلاکاردهای "بربریت یا سوسیالیسم" دانشجویان را دیده اند

و از محتوای مطالبات جنبش دفاع از حقوق کودک که جامعه وارونه سرمایه داران را مسبب وضعیت غیر انسانی کودکان میدانند، مطلع اند.

هم رژیم و هم اپوزیسیون بورژوازی، توده گیر شدن هر روزه سوسیالیسم را به عینه می بینند. شبح کمونیسم و تغییرات رادیکال، بالایی ها را به هراس انداخته است و همین ترس، ریشه اقدام حکومت به پخش بخشی از دادگاه گلسرخی و پناه بردن مشروطه طلبان به سازمان اکثریت است.

این تقلاها بی فایده است. جنبش سرنگونی طلب و آزادیخواهانه امروز مردم با تمامی دوره های پیشین تاریخ سیاسی ایران متمایز است. ریشه های این تمایز در وجود حزب سیاسی ای است که نارضایتی مردم را با اهداف کارگری

در هفته ای که گذشت یک پیام و یک برنامه تلویزیونی اینجا و آنجا توجه ها را به خود جلب کرد. جالب اینجاست که همین دو مورد خصلت نمای اوضاع سیاسی امروز ایران است. این دو اتفاق در دو جبهه ظاهرا متخاصم اما در یک کمپ، کمپ راست جامعه بوقوع پیوست. این رویدادها هر چند مقطعی و زود گذر اما اگر دقیق به آن نگاه کنی نشان خطر سوسیالیسم را بر پیشانی خود دارند.

ابتدا از دومی شروع میکنم: تلویزیون کانال سه جمهوری اسلامی در هفته گذشته بخشهایی از فیلم محاکمه خسرو گلسرخی را پخش نمود که باعث تعجب خیلی ها شد. تعجب از این زاویه که برای اولین بار بعد از ۲۷ سال قسمتهایی از این فیلم به نمایش در می آید و مردم با تلفن یکدیگر را از پخش فیلم خبردار میکنند.

دومین مساله پیام داریوش همایون به کنگره سازمان اکثریت است. در این پیام تاکید میشود که سازمان اکثریت یک حزب "چپ سالم" و به دور از "کمونیسم جزمی و توتالیتر" است و جریانی است که از زیاده روی راست و چپ پشتیبانی نخواهد کرد.

اما سوال اینجاست، چرا جمهوری اسلامی به یاد خسرو گلسرخی میافتد و بخشهایی از صحبتهای او را که به گروه خون اش میخورد پخش میکند و چرا همزمان مشروطه خواهان، اپوزیسیون رژیم اسلامی به یاد سازمان اکثریت که بخشی از نیروی سپاه پاسداران در به دام انداختن کمونیستها و مخالفین بوده اند، افتاده است.

جواب بسادگی قدرت جنبش کمونیسم کارگری در جامعه است. میخواهند با جنس بدل از نوع توده ای-اسلامی به مصاف چپ جامعه بروند تا صورت مساله را بخیال خود مخدوش کنند. مقطعی در سیر حرکت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه در جامعه وجود دارد که قدرت چپ را میتوان در سیمای راست جامعه به عیان دید. مقطعی

نه به حجاب! نه به ترور، نه به جنگ!

مارش علیه حجاب به طرف کمیسیون اتحادیه اروپا در بروکسل از کشورهای آلمان، فرانسه، هلند و بلژیک

روز جمعه ۲ مارس
با ما علیه حجاب و
برای حمایت از
مبارزات زنان در ایران
تظاهرات کنید!

زنده باد روز جهانی زن



سخنرانان:

مینا احدی

مهین علیپور

مریم نمازی

امسال زنان در ایران، اعتراض به حجاب، نه گفتن به حجاب، پرت کردن حجاب و اعلام جرم علیه جمهوری اسلامی ایران، بدلیل تحمیل حجاب این سمبل آپارتاید جنسی و بردگی زن را، در راس خواستهای خود به مناسبت هشت مارس اعلام کرده اند.

ما همصدا با زنان در ایران اعلام میکنیم که در همه جا، و در میتنگهای مختلف در سراسر جهان، بر علیه حجاب به میدان آمده و این اعلام جرم را به گوش نهادهای بین المللی خواهیم رساند.

تظاهرات ایستاده در شهر آخن ساعت ۹،۳۰ صبح
راهیمایی در بروکسل ساعت ۱ بعد از ظهر
تظاهرات اصلی در مقابل سلطنت کمیسیون اتحادیه اروپا
ساعت ۲ بعد از ظهر
برگشت ساعت ۵ بعد از ظهر به طرف مبدا

زمان حرکت با اتوبوس:
۲ مارس ۸ صبح از کلن
۲ مارس ۶،۳۰ صبح از فرانکفورت
۲ مارس ۴،۳۰ صبح از برمن

تماس و اطلاعات بیشتر:

آلمان:
کلن: سهیلا خسروی +49 (0178) 3024832
فرانکفورت: شهناز مرتب +49 (0172) 9716227
برمن: سیلک مکی +49 (0172) 4037035
فرانسه: بنی کوهی 0033-624918423
هلند: بهین تاکر 0031-649906014

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

و سوسیالیستی عجین کرده است. تلاش گسترده و سازمانیافته حزب کمونیست کارگری در حال شکل دادن به محتوا و عمق "نه" مردم به جمهوری اسلامی است. رادیکالیسم، برابری کامل و آزادی های بی قید و شرط، وجوهی از اهداف این حزب است که در جامعه جاری گشته است و به فرهنگ انقلابی بدل گشته است. تفاوتها را باید در این سطح دید. این حزبی است که در راس کارگران و توده انقلابی مردم مصمم به تغییر نظام حاکم است. این حزب میروود که بردگی مزدی و نظام ضد انسانی سرمایه داری را نابود کند و جمهوری سوسیالیستی را جایگزین آن سازد. این حزب را نمیتوان بسادگی دور زد. این حزب آینده روشن و دنیای بهتر مردم است. هراس بالایی ها از ماست؛ از حزب ماست. *

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع

درسهای انقلاب ۵۷

(بخش دوم و پایانی)

رئوس بحث: تئوریهای مختلف در باره انقلاب ۵۷. زمینه های انقلاب ۵۷. مروری بر لحظات تعیین کننده انقلاب ۵۷. موقعیت طبقات و جنبشهای مختلف در انقلاب. نقش طبقه کارگر در انقلاب ۵۷. چپ چگونه وارد این انقلاب شد؟ چرا انقلاب ۵۷ شکست خورد؟ چرا جنبش اسلامی دست بالا پیدا کرد؟ درسهای انقلاب ۵۷. چشم انداز يك انقلاب دیگر.

سخنران: محسن ابراهیمی

زمان: یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۸۵، ۱۸ فوریه ۲۰۰۷

ساعت ۵ تا ۱۰ بعد از ظهر

مکان: تورنتو 5100 Yonge St. North York Civic Centre Committee Room: 3

ورودی: ۵ دلار

marx_can1@yahoo.com

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

توجه، توجه، توجه

لطفاً سر ساعت اعلام شده در محل سمینار حضور بهم برسائید. سمینار سر ساعت اعلام شده (۵ بعد از ظهر) شروع خواهد شد. پیشاپیش به خاطر حضور به موقع در جلسه تشکر میکنیم.



ناصر اصغری

در حاشیه رویدادها

توقف فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی

شده؟! آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس، اسرائیل، هند، پاکستان دارای چند صد بمب اتمی هستند که توان تخریب چندین بار کره زمین را دارند. هنوز آمریکا و روسیه هم‌دیگر را با سلاح‌های هسته‌ای تهدید می‌کنند. هنوز هند و پاکستان تعداد بمب‌های هسته‌ای خود را به روی یکدیگر می‌کشند. دولتهای سرمایه داری که برای جان انسان ارزشی قائل نیستند همیشه ممکن است به چنین سلاح مرگباری متوسل شوند. باید با اعتراض وسیع بین المللی، جهان را از این سلاح قتل عام جمعی انسانها نجات داد.

سخنان تند پوتین، جنبش ضد جنگ و عقب نشینی آمریکا

تیترا اصلی اخبار چند روز گذشته مطبوعات، "حمله احتمالی آمریکا به ایران" بوده است. جورج بوش در سخنان ۱۰ ژانویه خود چنان ایران را تهدید کرد که متخصصین جنگی آن را علامت حمله به ایران دانستند. آمریکا دو ناوگان جنگی دیگر به خلیج فارس روانه کرده است. به نیروهای آمریکائی دستور داده شده که هر ایرانی‌ای (مأموران جمهوری اسلامی) را که در عراق دیدند به او شلیک کنند. بعداً لحنشان را عوض کردند و گفتند هرکسی که جان سربازان آمریکایی و نیروهای عراقی را به خطر می‌اندازد مورد حمله قرار خواهد گرفت. می‌گویند شواهد کافی در دست دارند که دولت ایران به تروریستهای اسلامی در عراق اسلحه می‌رساند و در دامن زدن به حملات تروریستی نقش فعالی بازی می‌کند.

اما یکی دو روزی است که تن صدای سران آمریکا، بخصوص جورج بوش، در باره حمله نظامی به ایران عوض شده است. می‌گویند این انتخابات به آن آویزان شده‌اند. می‌گویند که خبرنگاران احتیاج به اخبار و شایعات برای فروش محصولات خود را دارند. و غیره.

سیاست نظم نوینی آمریکا سیاستی میلیتاریستی است. هنوز

در توافقی بین کره شمالی و آمریکا در روز ۱۳ فوریه، در ازاء دریافت حدود یک میلیون تن نفت، کره شمالی متعهد شده است در ظرف ۶۰ روز آینده فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند؛ و قرار است که این امر به توقف يك سره فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی بیانجامد. به این ترتیب قرار است کشوری به جرگه کشورهای غیر هسته‌ای بپیوندد. آمریکا همچنین بر طبق این توافق کره شمالی را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج کرده و در جهت حل مناقشات بین این دو کشور و کنار گذاشتن تحریم تجاری آن تلاش خواهد کرد. این نوشته قصد ندارد جزئیات این توافقنامه بشود. اما در حاشیه این خبر چند نکته حائز اهمیت وجود دارند. اول اینکه حتی اگر يك بمب هسته‌ای از جهان کم شود، و اگر کشوری به جرگه کشورهای غیر هسته‌ای بپیوندد، دستاورد بسیار بزرگی برای بشریت است. دوم اینکه تحریم اقتصادی بیش از هر کسی به کودکان آزار میرساند و در نتیجه احتمال کاهش مرگ و میر کودکان بالا می‌رود که آن هم يك خبر خوش است.

اما دنیا تا زمانی که آمریکا همچنان زرادخانه بمب‌های هسته‌ای است و همچنان دنیا را تهدید می‌کند و اتفاقاً تنها کشوری است که تاکنون بمب هسته‌ای را بر علیه کشور دیگری به کار برده است، همچنان جای ناامنی برای زندگی خواهد ماند. در برابر هر خبر غنی سازی اورانیوم در ایران و کره و این و آن کشور، در آمریکا دهها بمب هسته‌ای ساخته و زباله‌های به جا مانده از آن زندگی و بهبود میلیونها انسان را با مخاطره روبرو می‌کند. ساختن سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای با دولتهای قلدر از جمله آمریکا، هیچ حساب و کتابی ندارد. حتی خبر از آن بود که برای نابودی برنامه غنی سازی اورانیوم در ایران، آمریکا به این سلاح متوسل خواهد



به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

انداخته است، موضع ضدجنگ ایشان است که سرها را به طرف او برگردانده است. او گفته است که همیشه با حمله نظامی آمریکا به عراق مخالف بوده و اگر انتخاب شد، یکی از کارهای اولیه او برگرداندن نیروهای نظامی آمریکا خواهد بود. گرچه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بیشتر به يك شو بی‌خاصیت، که هر کس انتخاب شود فرق اساسی نخواهد کرد، تبدیل شده است، اما دعوای کانیداها بر سر اینکه در باره لشکرکشی به عراق و نظرات اولیه جورج بوش در باره ایران چه فکر میکنند، دیدنی است و حکایت از فشار افکار عمومی دارد. *

که انگار دارند بچه فریب می‌دهند. تمام بحث پوتین و چین و فرانسه هم این است که آمریکا مشورتی با دیگران نمی‌کند. بدون شك اختلافات بین دولتها، بخصوص در مورد قلدرمنشی آمریکا به نفع جبهه مردم است. اما آنچه که به نظر می‌رسد دارد آمریکا را رام می‌کند، طوری که لحن آمریکا را ملایم کرده است، جنبش ضدجنگی است که سخنگویان رسمی بورژوازی را هم به صدا در آورده است. در کمپین ریاست جمهوری آمریکا، آنچه که سناتور اوپاما را از دیگران، بخصوص هلری کلینتون، همسر بل کلینتون رئیس جمهور پیشین آمریکا، که قرار بود از دیگران بسیار جلوتر باشد، جلو

هم بر این باور است که ارباب دنیا است. در برابر ضعف اقتصادی خود در مقابل رقبائی چون چین، اروپای واحد و ژاپن به سیاست نظامی که خودشان هم اذعان می‌کنند در آن گیر کرده‌اند، روی آورده‌اند. سخنان تند پوتین، مبنی بر اینکه آمریکا عامل بی‌ثباتی در جهان است و "قلدر شده و باید جلوش را گرفت" سخنگویان کاخ سفید را به تنه پته انداخت. گفته‌اند که دنیا احتیاج به جنگ سرد دیگری ندارد. اما در عین حال دارند در روز روشن و به صراحت از موضع قلدری خود عقب می‌نشینند. گیتس، وزیر دفاع آمریکا، در مونیخ گفت که دنیا در برابر اسلام‌گرایی احتیاج به مشارکت دارد. اما جالب اینجاست